

دلی عاشق و سخت گرفته ...

نوشته شده توسط پسر پاییز
پنجشنبه، 1 بهمن 1394، 02:07 -

عشقم دلم سخت گرفته

از آنچه می بینم و کاش نمی دیدم

از اینکه می آیی و می روی

اما دریغ از کلامی و نگاهی که به این عاشق دل خسته بیندازی

شاید رسمش همین باشد

شاید حتی بعد از این همه اثبات خودت و عشقت

باز در نگاهش کم جلوه کنی

درد دارد اینکه بدانی

میدانند با یک کلامش دلت آرام می گیرد

و همان را هم از تو دریغ کند

همه می گویند زیاد که عاشق باشی

به چشم نمی آیی

می گویند در عشق باید سیاست داشت

تا قدر تو را بدانند

اما من هرگز عشق با سیاست را نخواستم

هر چه بودم یکرنگ و صادق گذاشتم

تویی که فرشته میخوانمت

بگو در کدام روز تلخ تنهایت گذاشتم

که حال سهم من باید این باشد

و عشق این روزها چقدر در نگاه دیگران

بی ارزش می انگارد

و باز من در این میان چه صادقانه عاشقت مانده ام

فرشته ی من تو که میدانی

چقدر فراتر از وسعت کلمات دوستت دارم

تلخ است اینکه بدانم

می توانی با کلامی این دل شکسته

و پر از تشویش را آرام کنی

و باز سکوت می کنی

می آیی ، می روی و دریغ از کلامی

و عشق آنقدر در نگاه من مقدس است

که هنوز عاشقت مانده ام ، عاشقی با قلبی خسته

اما قلبی که همیشه برای تو می تپد

تو کمی هوای این قلب پر از درد را داشته باش

پیش از آنکه بایستد زیر فشار این دردها

قلبی که سوگند خورده تا آخرین تپش عاشقت باشد

و احساس من که برای تو انتهایی ندارد

پس باز بی انتها دوستت خواهم داشت

”نیستی و نهادی چه آسان، دل مرا به زیر پا ...

نیستی و خیالت زمانی، نمی کند مرا رها ...

ای به دل آشنا، تا که هستم بیا ...”

دللم برات تنگ شده فرشته

پی نوشت:

1. دوباره نیستی و با سکوت هر ثانیه ی من به درازای یک سال میگذره دوباره دردهای قدیمی به سراغم اومده ، انتظار و انتظار و انتظار برای یک پیام ، نمیدونم این انصافه یا نه اما این روزهام خیلی سخت میگذره ، سکوت نکن برای یک بار کنارم باش که خستم تو که میدونی حالمو ، با بیشتر از این نبودنت زار آزار بکشم عزیزم

2. منی که انقدر بی اندازه دوستت دارم ، منی که تو سخت ترین روزها حتی وقتی خودم بدترین شرایط رو داشتم مشکلاتم رو پنهان می کردم و تنهایی به دوش میکشیدم تا به تو آرامش بدم ، تا بتونم هر روز بیشتر خوشحالت کنم ، نمیدونم چرا هر بار بهت نیاز دارم سکوت میکنی ، تویی که حتی با یک پیامت میتونی دردم رو کم کنی ، اما هستی و خودت رو پنهان میکنی ، زار عشقی رو که با همه سختی ها انقدر خاص و قشنگ ساختیم خرابش کنند ، عزیزم از هیچ تهدیدی نترس از حرف هیچ کس نترس مطمئن باش من تا ابد مراقبت هستم حتی اگر لازم باشه از همه چیز خودم بگذرم نمیزارم مشکلی برات پیش بیاد نمیزارم هیچ کس فرشته ی من رو آزار بده ، همیشه فرشته بمون برای منی که همیشه عاشقتیم

3. عشق من دلتنگتم و این دلتنگی توانی برای نوشتن برام نداشته ، بارها گفتم و بازم میگم عشقی که ما ساختیم با ارزش تر از هر چیزی تو این دنیااست ، عشقی که داشتنش آرزوی خیلی هاست ما باید قدرش رو بدونیم ، نباید دست کم گرفت ، بعضی فرصت ها تو زندگی فقط یک بار به تعداد انگشت شماری از آدمها داده میشه ، تکرار شدنی نیست تو که نمیخواهی این با ارزش ترین چیز دنیا رو از دست بدیم داشتن یک عمرخوشبختی بی انتها به هر سختی موقت و کوتاهی می ارزه پس باید مثل همیشه کنار هم باشیم و قدر عشقمون رو بدونیم

4. قدیم تر ها برای بوسه چشمانم را می بستم ، حالا برای دیدنت یا حتی برای تصور شنیدن صدای تو تو که خوب میدانی صدايت دنيایم را رنگی می کند و تپش های قلبم وابسته به وجود مهربانت است ، پس هرگز خودت را از من پنهان نکن مهربانم

5. " نیستی و ندیدی که بی تو شکسته بال و خسته ام نیستی و ندیدی که بی تو چگونه پر شکسته ام

نیستی و نهادی چه آسان دل مرا به زیر پا نیستی و خیالت زمانی نمی کند مرا رها

ای به دل آشنا ، تا که هستم بیا "

آهنگ جدید سایت رو قبل از گذاشتنش روی سایت بارها و بارها شنیدم و هر بار با شنیدنش تکه ای از وجودم جدا شد ، قلبی که بعد از این همه وقت هزار تکه شده با شنیدن هر بیت این آهنگ لرزید و اشکی که جاری شد ، تنها آرزوم اینه که هرگز نزاری این آهنگ برای ما تبدیل به واقعیت بشه هر کلمه رو با تمام وجود بشنو و بدون حال منو که چقدر نفسم به تو وابستست اسم این آهنگ " ای به دل آشنا " کار علی زند وکیلی ، امیدوارم حتما گوش کنی و بتونی گوشه ای از حس من رو احساس کنی عزیزم

6. ماه من ابرها را کنار بزن ؛ آسمان قلب من تا ابد به درخشش نور عشق تو روشن خواهد بود و من با خود عهد کردم برای تمام عمر محو درخشش وجود آسمانیت ، ذره ذره ی احساسم را به پایت خواهم ریخت آنگونه که هرگز کسی به چشم ندیده باشد

7. دوست داشتن تو نه فعل ماضی است ، نه یک حال ساده ؛ دوست داشتنت تنها نسخه ای است که قلبم برای ادامه ی این زندگی تجویز کرده است قطعا هر کس دیگری با تجربه اولین مشکل کنار می کشید همانند بی شمار مثالی که خودت دیده ای و میدانی چرا که دیگران هرگز ارزش تو را نخواهند دانست و غرق در خودخواهی خود عشق را کوچک می شمارند ، اما در فرهنگ لغت من و در ذهنم عشق یعنی گذشتن از خود ، سختی ها را به جان خریدن به هر قیمتی برای خوشحال کردن و عشق ورزیدن به فرشته ای که بیشتر از هر کس در این دنیا تنها من قدرش را میدانم و همین احساس شگفت انگیز دلیل نادیده گرفتن سختی ها بر خلاف دیگران و جاودانه ماندن عشق من برای تو خواهد بود ، نمیدانم دریافتی تا ابد کسی ذره ای به اندازه ی من قدر وجود مهربانت را نخواهد دانست تنها بدان تا روزی که قلبم در سینه میتپد من تو را فراتر از وجود خودم مقدس میدانم و دیوانه وار برایت عاشقی خواهم کرد تو که تنها فرشته ی زندگیم خواهی ماند عشقم

{jcomments on}